

دو اثر فارسی در مجموعه ۱۵۱۱ کتابخانه ملی ملک مورخ ۵۱۷-۵۱۹ق با اشارتی به انتقال آثار شیعی و آموزش عربیت در نیشابور سده پنجم و ششم هجری

علی صفری آق قلعه^۱

چکیده

نسخه ۱۵۱۱ کتابخانه ملی ملک مجموعه‌ای دارای آثاری مورخ میان سالهای ۵۱۷ تا ۵۱۹ق است. این مجموعه دارای متونی به زبانهای عربی و فارسی عمدتاً در زمینه آموزش عربیت و ادبیات عربی و یک اثر در قرآت قرآنی و برخی مطالب پراکنده است. کاتب همه آثار مجموعه ابوجعفر محمدبن ابی‌الفضل الصایغی البیهقی است و از یادداشتهای وی دانسته می‌شود که نسخه را برای خودش کتابت کرده و عمده آنها را بر استادان فن خوانده است. وجود آثاری در آموزش فنون مختلف عربیت، از جمله: نحو، عروض، قافیه، شرح معلقات و آثاری از این دست نشان می‌دهد که احتمالاً این آثار در آن دوره برای آموزش عربیت در حوزه ادبی و البته دینی نیشابور رواج داشته‌اند. بنابراین، بررسی این مجموعه برای شناسایی آثار رایج در آموزش عربیت نیشابور سده پنجم و ششم ارزشمند است. تنی چند از نویسندگان حلقه آموزشی نیشابور به آموزش و انتقال متون شیعی اهتمام داشته‌اند که موجب اهمیت این حلقه از دیدگاه پژوهش‌های شیعی است. از سویی با توجه به تاریخ کتابت مجموعه میان سالهای ۵۱۷-۵۱۹ق و اینکه دو اثر فارسی در آن درج شده می‌توان گفت که این مجموعه کهن‌ترین دستنویس تاریخ‌دار شناخته شده دارای آثار فارسی در ایران است.

کلیدواژه‌ها: آموزش عربیت، حلقه آموزشی نیشابور، انتقال آثار شیعی، متون فارسی، غنیة الشّهوات فی جمل الادوات، ابونصر بن صاعد الالمعی، تدبیر مبتدی، احمدبن محمد المیدانی.

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۸/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۲/۳۰

۱. نسخه‌شناس و پژوهشگر متون ادبی / alisafari_m@yahoo.com

مجموعه ۱۵۱۱ در کتابخانه ملک، شامل دو اثر فارسی در آموزش مقدماتی عربیت، از نظر شناسایی متون رایج در خراسان سده پنجم و ششم و به ویژه در نیشابور برای آموزش عربیت و ادب عربی، اهمیت بسیاری دارد.

بررسی منابع نشان می‌دهد که در گذشته آموزش زبان عربی و منابع ادبی آن زبان بعنوان مقدماتی برای ورود به علوم چون حدیث، تفسیر قرآن و دیگر علوم دینی رواج داشت و حتی افرادی که زبان مادریشان عربی بود، خود را بی‌نیاز از آموختن این منابع نمی‌دیدند (برای نمونه نک: ابوهلال عسکری ۱۳۷۲: ۷۵-۷۶). با این حال آگاهی ما درباره منابع آموزش عربیت و ادب عربی در قرون گذشته اندک است. یک راه دستیابی بدینگونه آگاهی‌ها، بررسی منابع تراجم و رجال و بعضاً آثار تاریخی در شناسایی متون آموزشی است. برای نمونه در آثاری چون *المنتخب من السیاق لتاریخ نیشابور ابوالحسن فارسی یا معجم‌الادباء یاقوت یا تاریخ الاسلام* ذهبی اشارات قابل توجهی بدینگونه آگاهی‌ها هست که باید با بررسی دقیق اینگونه متون به استخراج دانسته‌ها پرداخت. برای نمونه یکی از اسناد معتبر در شناسایی آثار آموزشی حلقه آموزشی نیشابور، عباراتی است که ابن فندق در کتاب گم‌شده‌اش *مشارب التجارب* نقل نموده و یاقوت بخش‌هایی از آن را در *معجم‌الادباء* یاد کرده است (یاقوت ۱۹۹۳: ۱۷۶۰):

... فحفظتُ فی عهد الصبا کتاب الهادی للشادی تصنیف المیدانی و کتاب السامی فی الأسامی له و کتاب المصادر للقاضی الزوزنی و کتاب غریب القرآن للعزیزی و کتاب إصلاح المنطق و کتاب المنتحل للمیکالی و أشعار المتنبی و الحماسة و السبعیات و کتاب التلخیص فی النحو. ثم بعد ذلك حفظت کتاب المجل فی اللغة. و حضرتُ فی شهر سنة أربع عشرة و خمسمائة کتاب أبی جعفر المقرئ إمام الجامع القديم بنیشابور مصنف کتاب *ینایع اللغة* و غیر ذلك، و حفظتُ فی کتابه کتاب *تاج المصادر* من تصنیفه و قرأتُ علیه نحو ابن فضال و فصولاً من کتاب *المقتصد* و *الأمثال* لأبى عبید و *الأمثال* للأمیر أبی الفضل المیکالی. ثم حضرتُ درس الامام صدر الأفاضل أحمد بن محمد المیدانی فی محرم سنة ست عشرة و خمسمائة و صحتُ علیه کتاب *السامی فی الأسامی* من تصنیفه و کتاب *المصادر للقاضی* و کتاب *المنتحل* و کتاب *غریب الحدیث* لأبى عبید و کتاب *إصلاح المنطق* و *مجمع الأمثال* من تصنیفه و کتاب *صاح اللغة للجوهری*....

اشاره به اینگونه متون نشان می‌دهد که دانشمندی چون بیهقی در آغاز راه دانش‌اندوزی خود چه متونی را آموخته و ضمناً استادانی چون میدانی و ابوجعفر بیهقی چه متونی را در حلقهٔ درسی خود آموزش می‌دادند. برای نمونه اشارهٔ بیهقی به اینکه الهادی للشادی را در کودکی از بر کرده نشانگر آن است که این کتاب در روزگار وی جزو متون درسی مقدماتی بوده است. گزارش دیگر از آموزش همین الهادی للشادی را سمعانی در *المنتخب من معجم الشیوخ* (سمعانی ۱۴۱۷: ۲ / ۱۰۵۷-۱۰۵۸) ذیل یادکرد برادرزادهٔ نظام‌الملک طوسی یعنی «ابوالمعالی عبدالرزاق بن عبدالله بن اسحق الطوسی الوزير المعروف بالشهاب» (۴۵۹-۵۱۵ق) یاد کرده و گفته که بابی از الهادی للشادی را بر وی خوانده است:

لقبته بِمَرَوْ فِی حَالِ وَزَارَتِهِ وَ حُمِلْتُ إِلَيْهِ وَ أَنَا صَغِيرٌ وَ قَرَأْتُ عَلَيْهِ بِأَبَا مِنْ كِتَابِ الْهَادِي لِلشَّادِي.

با توجه بدانچه یاد شد، جای خالی یک پژوهش گسترده بر روی این متون احساس می‌شود.

راه دیگر شناسایی متون آموزشی، بررسی آماری نسخه‌های خطی است. برای نمونه پس از سدهٔ ششم، *المفصل زمخشری* (۴۶۷-۵۳۸ق) متنی استاندارد در آموزش عربیت بوده و پس از آن در سدهٔ هفتم، *کافیة ابن حاجب* (۵۷۰-۶۴۶ق) این جایگاه را کسب می‌کند. نسخه‌های فراوان و شروح و حواشی بسیاری که از اینگونه متون در دست است نشانگر رواج آن‌ها در ادوار گوناگون بوده است. نیز باید توجه داشت که رواج این آثار در مناطق گوناگون یکسان نبوده است. بنابراین، در بررسی این آثار باید به رواج آن‌ها در هر دوره و منطقه توجه داشت.

مجموعهٔ ۱۵۱۱ کتابخانهٔ ملک، در این زمینه یک نسخهٔ ارزشمند به شمار می‌آید زیرا کاتب نسخه ابوجعفر محمدبن ابی‌الفضل الصایغی البیهقی در میان سالهای ۵۱۷ تا ۵۱۹ ق شانزده اثر را که عمدتاً در آموزش عربیت بودند در شهر نیشابور از برای خود نگاشته و بسیاری از آن‌ها را بر استادان فن خوانده است. بررسی این آثار نشان می‌دهد که بیش‌تر آن‌ها به گونه‌ای با شهر نیشابور و دانشمندان آن شهر ارتباط دارند و در آموزش عربیت در سده‌های پنجم و ششم آن ناحیه رواج داشته‌اند.

شماری از آثار مندرج در مجموعه مربوط به دانشمندانی است که بیرون از آن حوزه علمی می‌زیسته‌اند اما احتمالاً آثارشان در آموزش‌های حوزه نیشابور رایج بوده است. عمده این آثار از دیرباز مورد توجه دستگاه‌های آموزشی در مناطق گوناگون بوده‌اند. آثاری چون *الجمل فی الاعراب* از عبدالقاهر جرجانی (د ۴۷۱ ق) که یکی از آثار رایج در آموزش نحو بوده و شروح بسیاری نیز بر آن نگاشته شده است (جرجانی ۱۳۹۲: و - ز مقدمه؛ برای نسخه‌های *الجمل* در ایران نک: درایتی ۱۳۸۹: ۳ / ۷۱۹).

گروه دیگری از این آثار از نگاشته‌های دانشمندان همان حوزه ادبی است، که یکی از وجوه اهمیت آنها این است که نویسندگانشان کتابهای خود را به زبان فارسی می‌نوشتند، مانند دو اثر مندرج در مجموعه مورد بررسی ما، که پس از این به آنها خواهیم پرداخت.

شناسایی آثار مندرج در مجموعه

- مندرجات مجموعه شامل ۱۶ اثر کوتاه و بلند است که عناوین آنها در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک (افشار و دانش‌پژوه ۱۳۶۳: ۵ / ۲۸۰-۲۸۲) به اختصار ثبت شده است.^۲ عناوین این آثار را با اشاره به صفحات نسخه و اینکه آیا تاریخ کتابت و نام کاتب در انجامة هر بخش هست یا نه در زیر یاد می‌کنیم:
۱. شرح المعلقات السبع: از قاضی ابوعبدالله الحسین بن احمد الزوزنی النحوی الضریر (د ۴۸۶ ق)، با انجامة بی‌تاریخ و نام کاتب (۱ - ۲۰۴).
 ۲. شرح معلقة نابغة ذبیانی: از ابوالحسن علی بن احمد بن محمد الواحدی نیشابوری (د ۴۶۸ ق)، مورخ ۵۱۹ ق با نام کاتب (۲۰۵ - ۲۱۶).^۳
 ۳. *الجمل فی الاعراب*: از عبدالقاهر جرجانی، مورخ ۵۱۹ ق با نام کاتب (ص ۲۱۸ - ۲۴۴).
 ۴. پراکنده‌هایی ناقص از گفته ابونصر یوسف بن علی الفاداری بی‌انجامه (۲۴۵ - ۲۵۳).

۲. در فهرست کتابخانه ملک ۱۴ اثر در مجموعه برشمرده شده است.

۳. در صفحه پایانی، یادداشت قرائتی از احمد بن محمد الميدانی هست که گویا حکایتی از اصل باشد. از شرح معلقة نابغة ذبیانی نسخه دیگری مورخ ۵۴۶ ق در لیدن نگهداری می‌شود (قره‌بلوط بی‌تا: ۲۰۰۴).

۵. کتاب العروض یا تخریج القوافی علی تأریح: از صاحب اسماعیل بن حسن بن عبّاد (۳۲۶ - ۳۸۵ ق)، بی تاریخ و نام کاتب (۲۵۵ - ۲۵۸).
 ۶. عدد القاب العروض: از صاحب بن عبّاد، بی تاریخ و نام کاتب (۲۵۷ - ۲۵۸).
 ۷. مختصر علم القوافی: از ابوالفتح عثمان بن جنّی الموصلی النّحوی (۳۳۰ - ۳۹۲ ق)، مورّخ ۵۱۹ ق با نام کاتب (۲۵۸ - ۲۶۵).
 ۸. امثلة بحور الشّعور: از یعقوب بن احمد النیشابوری، بی تاریخ و نام کاتب (۲۶۵ - ۲۶۷).
 ۹. المقدّمة فی النّحو: از ابوالحسن علی بن فضّال بن علی المجاشعی القیروانی (د ۴۷۹ ق)، بی تاریخ و نام کاتب (۲۷۰ - ۳۰۳).
 ۱۰. باب التذکیر و التّأیث: که بلافاصله پس از انجامة اثر پیشین کتابت شده ولی بخشی از آن نمی نماید، بی تاریخ و نام کاتب (۳۰۳ - ۳۰۵).
 ۱۱. منیة الرّاضی برسایل القاضی: از ابوالفضل احمد بن محمّد المیدانی، مورّخ ۵۱۸ ق با نام کاتب (صص ۳۰۶ - ۳۷۳).
 ۱۲. شعری عربی با سه بیت ترجمه منظوم فارسی آن بی تاریخ و به خطّ کاتب مجموعه (ص ۳۷۴).
 ۱۳. اسماء اصحاب الکهف و اسم محمّد صلی الله علیه بالسریانیة و بالرومیة (ص ۳۷۵).
 ۱۴. غنیة الشّهوات فی جمل الادوات (به زبان فارسی): اثر ابونصر بن صاعد الالمعی، با انجامة بی تاریخ و نام کاتب (ص ۳۷۶ - ۴۰۶).
 ۱۵. قرائة ابی الحسن علیّ بن حمزة الاسدی الکوفی الکسائی، به روایت نهایی از ابونصر محمّد بن علی الزشکی، مورّخ ۵۱۷ ق بی نام کاتب (ص ۴۰۸ - ۴۳۴).
 ۱۶. تدبیر مبتدی (به زبان فارسی): از ابوالفضل احمد بن محمّد المیدانی، با انجامة بی تاریخ و نام کاتب (ص ۴۳۶ - ۴۴۹).
- چنانکه از تاریخ کتابت آثار دانسته می شود گویا ترتیب صحافی مندرجات مجموعه مطابق تاریخ کتابت آنها نیست زیرا آثاری که کتابتشان مقدّم بوده در پایان مجموعه درج شده است. چون نسخه متن و حاشیه شده، معلوم می شود که آسیب

بسیاری دیده، و لذا آن را بازسازی کرده‌اند. شاید در این کار، ترتیب اولیه نسخه دگرگون شده باشد.

آثار عربی دانشمندان حوزه آموزشی نیشابور در مجموعه

در این بخش به شناسایی دانشمندانی خواهیم پرداخت که آثاری عربی یا اجازاتی به قلم ایشان در مجموعه ثبت شده است. این دانشمندان همگی در نیشابور می‌زیسته‌اند و ضمناً به فارسی‌نویسی و بعضاً تشیع گرایش داشته‌اند و ما ذیل یادکرد هرکدام بدین موارد نیز اشارت خواهیم کرد.

الف. ادیب یعقوب بن احمد النیشابوری (د ۴۷۴ ق): هشتمین اثر مجموعه ما نحن فیه یعنی *امثلة ببحور الشعر* (ص ۲۶۵ - ۲۶۷) از آثار وی است. این اثر نباید تتمه بیان العروض از همو باشد؛ هرچند این موضوع باید بررسی شود^۴. ادیب یعقوب را باید نخستین دانشمند حلقه مورد نظر ما در حوزه شیعی، ادبی و آموزشی نیشابور به شمار آورد. در منابع به وجه ادبی دانش او اشارت شده و رفت و آمد وی با ابوالفضل میکالی گواهی بر این امر است (برای شرح حال مختصرش نک: فارسی ۱۳۹۱: ۸۰۲). او کتاب *البلغة المترجم فی اللغة* را به سال ۴۳۸ ق نوشته که از کهن‌ترین فرهنگ‌های عربی به فارسی است (نیشابوری ۱۳۵۵). همو کتاب *المهذب فی المصادر* را که فرهنگی از مصادر عربی مترجم به زبان فارسی است پس از نگارش *البلغة نگاشته* است. با توجه به تاریخ نگارش *البلغة* و تاریخ درگذشت وی می‌توان دانست که *المهذب* میان سال‌های ۴۳۸ تا ۴۷۴ ق نگاشته شده است (برای نسخه‌های اثر در ایران نک: درایتی ۱۳۸۹: ۱۰ / ۴۰۰).^۵ چون دیباجه اثر نشان می‌دهد که *المهذب* پس از *البلغة نگاشته* و ضمناً گرایش شیعی مؤلف را نمایان می‌کند، بخشی از آن را (از نسخه ۵۳۵ سنا، ص ۱۷۴) نقل می‌کنیم:

۴. این اثر یک بار به همراه *بیان العروض* چاپ شده است (جرجانی ۱۴۱۷) که متأسفانه هنگام نگارش مقاله کنونی بدان دسترسی نداشتیم.

۵. برای نسخه‌های آثار وی در ایران نک: درایتی ۱۳۸۹: ۱۱ / ۹۴۳؛ نیز برای نسخه‌های آثارش در بیرون از ایران نک: قره بلوط بی تا: ۳۹۵۷، که در آنجا صرفاً از *حدائق الحقائق* (مختارات من دیوان المتنبی) و *مختصر الفاظ الحمادی* (در انشاء) یاد شده است.

أما بعد حمد الله الذي عمّت فواضله كافة الخلق و الصلوة على رسوله محمد الداعي الى الحق و آله مصاييح الدجى و مفاتيح الهدى. فأنى لما فرغت من تحرير كتاب *البلغة المترجم فى اللغة* و رأيت التنافس فيه من طالبيه داعياً الى استيناف العناية بجمع مثله فى المصادر ... استخرت الله تعالى فى الابتدا به و التصدى لعمله ...

ب. ابوالفضل احمد بن محمد الميدانى (۴۳۴ - ۵۱۸ ق): دهمین اثر مجموعه به نام *منية الراضى برسائل القاضى* گزیده‌ای از رسالات ابواحمد منصور بن محمد از دی هروی است که توسط ابوالفضل احمد بن محمد الميدانى گردآوری شده است. البته این اثر را نمی‌توان نگارش مستقل و اصیل میدانى دانست زیرا وی فقط گردآورنده این نامه‌ها بوده است.

میدانى از شاگردان ادیب يعقوب بن احمد نیشاپورى و على بن احمد واحدی بوده که آثاری از آنان در همین مجموعه درج شده است (سماعی ۱۴۱۷: ۲۷۰؛ یاقوت ۱۹۹۳: ۵۱۱). میدانى در نزد عرب‌زبانها بیش‌تر بواسطه نگارش *مجمع الامثال* شناخته شده است؛ اما ناموری او در ایران بیش‌تر از راه نگارش فرهنگ بسیار مشهور *السامى فى الاسامى* نگاشته ۴۹۷ ق است (میدانى ۱۳۴۵). وی همچنین اثر دیگری به فارسی دارد با نام *الهادى للشادى* که مطابق مقدمه‌اش آن را پس از *السامى فى الاسامى* نگاشته است^۱. نیز در دنباله مقاله از اثر فارسی دیگر او در همین مجموعه یعنی *تدبير مبتدى سخن خواهيم راند*.

در صفحه عنوان *منية الراضى* در نسخه ما (ص ۳۰۶) عبارت دعایی «إدام الله جماله» پس از نام مؤلف ذکر شده که نشانگر زنده بودن میدانى در زمان کتابت نسخه است. پایان کتابت اثر در انجامه به تاریخ غرة ماه صفر (دومین ماه) از سال ۵۱۸ ق یاد شده و چون تاریخ درگذشت میدانى در منابع در ماه رمضان (نهمین ماه) از همان سال ۵۱۸ ق ضبط شده می‌توان پی برد که نگارش نسخه اثر چند ماه پیش از درگذشت میدانى به پایان رسیده است. جالب توجه آنکه در صفحه عنوان اثر

۶. مطابق مقدمه اثر، وی آن را به ابوالقاسم منصور بن محمد بن احمد بن صاعد (۴۵۲-۵۲۰ ق) قاضی نیشاپور پیشکش کرده است. برای نسخه‌های آثار وی در ایران نک: درایتی ۱۳۸۹: ۱۱ / ۱۲۴۸؛ و برای نسخه‌های آثارش در بیرون ایران نک: قره‌بلوط بی‌تا: ۴۰۹ - ۴۱۰.

دیگر ابوالفضل احمد میدانی یعنی تدبیر مبتدی که در همین مجموعه کتابت شده (ص ۴۳۶) عبارت دعایی «رحمه الله» درج شده که نشانگر درگذشت میدانی در هنگام نگارش آن بخش از مجموعه است.^۷

متن منیه الراضی بر سایل القاضی یک بار با عنوان منیه الراضی فی رسائل القاضی چاپ شده است (هروی ۱۴۲۸). این چاپ بر پایه سه نسخه صورت گرفته که کهن ترین آن‌ها نسخه‌ای بی تاریخ متعلق به کتابخانه عارف حکمت مدینه به نشانی ۲۷۱ مجامیع بوده است. نسخه دیگر به شماره ۸۶۴۷ متعلق به کتابخانه دولتی برلین و مورخ به سال ۱۰۵۸ ق بوده است. نسخه سوم به نشانی ۱۴۹۰ - ادب متعلق به دارالکتب المصریة و از حدود سده ۱۱ هجری بوده است. بنابراین نسخه ما نحن فیہ عجالتاً کهن ترین نسخه شناخته شده اثر است که ضمناً یادداشت قرائت کاتب نسخه بر پسر میدانی در آغاز همین اثر به خط همو درج شده است (نک: پس از این).

درباره السامی فی الاسامی این نکته بایسته یادکرد است که شرحی به زبان عربی بر برخی مواضع دشوار آن با نام کتاب الابانته نگاشته شده است. این شرح اندکی پس از نگارش السامی فی الاسامی نوشته شده و شاید نگاشته یکی از شاگردان احمد میدانی باشد. تنها نسخه شناخته شده اثر به شماره ۱۳۳۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می شود که چاپ عکسی آن را دکتر محمد دبیرسیاقی در پایان فهرست الفبایی لغات و ترکیبات فارسی السامی فی الاسامی (دبیرسیاقی ۱۳۵۴) منتشر کرده و واژه‌های فارسی آن را نیز جداگانه استخراج کرده‌اند.

دیگر آنکه ترجمه یا تحریری فارسی از همین کتاب الابانته در دست است که متن آن توسط استاد علی اشرف صادقی به چاپ رسیده است (صادقی ۱۳۷۹). تنها نسخه شناخته شده اثر به شماره ۳۱۲ در کتابخانه ملک نگهداری می شود که افتادگی‌هایی دارد اما چون ترجمه / تحریر فارسی اثر است و واژه‌های قابل توجهی در آن یافت می شود، از دیدگاه زبان فارسی اهمیت بسیاری دارد.^۸

۷. با اینکه متن تدبیر مبتدی کامل بوده و انجامه دارد اما تاریخ کتابت در آن درج نشده است.
۸. گفتنی آنکه در چاپ دکتر دبیرسیاقی از کتاب الابانته اشتباهی در شناساندن نسخه مورد استفاده‌شان صورت گرفته بود که دکتر صادقی این مورد را در دیباجة کارشان تصحیح کرده‌اند.

پ. سعید بن احمد الميدانی (د ۵۳۹ ق): از وی کتاب یا رساله‌ای در مجموعه کتابت نشده اما چنانکه یاد شد در صفحه آغازین منیه الراضی (ص ۳۰۶) یادداشت قرائتی به خط او و برای کاتب مجموعه دیده می‌شود. این شخص فرزند مؤلف منیه الراضی احمد بن محمد میدانانی است و این یادداشت قرائت می‌تواند نشانه‌ای بر صحت قابل توجه نسخه باشد. سعید بن احمد میدانانی نگارنده فرهنگ عربی به فارسی الاسمی فی الاسماء نگاشته ۴۹۷ ق است (میدانی ۱۳۷۷) و آثار دیگری نیز داشته که عمدتاً در آموزش عربیت هستند (یاقوت ۱۹۹۳: ۱۳۵۹). یادداشت وی در نسخه ما چنین خوانده می‌شود:

قرأ علیّ هذا الكتاب من اوله الى آخره صاحبه الشيخ الامام ابو جعفر محمد بن ابي الفضل الصايغي ... [یک واژه ناخوانا] ... بحث و ایقان؛ کتبه سعید بن احمد الميدانی.

ت. ابو جعفر احمد بن علی المقرئ البیهقی (د ۵۴۴ ق): از این شخص نیز کتاب یا رساله‌ای در مجموعه کتابت نشده اما چهار یادداشت قرائت به خط وی در نسخه هست.^۹ این شخص کسی نمی‌تواند باشد جز ابو جعفر احمد بن علی بن محمد المقرئ البیهقی که صاحب فرهنگ عربی به فارسی تاج المصادر است.^{۱۰} اثر دیگر او المحيط بلغات القرآن اگرچه به زبان عربی است اما در خلال آن، حدود سیصد برابر فارسی برای واژه‌ها و تعبیّرات قرآنی یاد شده که برخی از دیدگاه واژه‌شناسی فارسی اهمیت دارند (عالم‌زاده ۱۳۸۳: ۴۸۱). وی الصّاحح فی اللّغة جوهری را نزد احمد بن محمد میدانانی خوانده و از اینجا دانسته می‌شود که در لغت از شاگردان وی بوده است (یاقوت ۱۹۹۳: ۳۹۹ و ۵۱۲).

۹. یادداشت‌ها در این جایگاه‌ها دیده می‌شود: پایان شرح قصیده نابغة ذبیانی از علی الواحدی (ص ۲۱۶)؛ آغاز الجمل فی الاعراب عبدالقاهر (ص ۲۱۸)؛ آغاز کتاب العروض صاحب (ص ۲۵۴)؛ آغاز المقدمه فی النحو اثر ابوالحسن علی بن فضال بن علی المجاشعی المغربی (ص ۲۷۰). همچنین یادداشت مقابله‌ای به خط همو در آغاز غنیة الشّهوات فی جمل الادوات اثر ابونصر بن صاعد الالمعی (ص ۳۷۶) هست که نشان می‌دهد ابو جعفر، نسخه ما نحن فیه را به فرمان صاحب مجموعه با نسخه‌ای متعلق به خودش مقابله کرده است.

۱۰. برای شرح حال او نک: عالم‌زاده ۱۳۸۳؛ یاقوت ۱۹۹۳: ۳۹۸؛ منزوی ۱۳۳۷: ۴۸ - ۵۵؛ بیهقی ۱۳۶۶: «پنجاه و یک» - «پنجاه و نه» مقدمه؛ برای نسخه‌های آثارش نک: قره‌بلوط بی‌تا: ۳۵۵؛ درایتی ۱۳۸۹: ۱۱ / ۲۷۱. این شخص با ادیب احمد بن علی بن احمد بن الحسین المقرئ البیهقی (د ۵۴۹ ق) که ابن فندق ترجمه او را در تاریخ بیهقی آورده یکی نیست (بیهقی ۱۳۱۷: ۲۵۱).

روایت آثار شیعی و گرایش به فارسی‌نویسی در حوزه ادبی نیشابور در سده پنجم و ششم هجری

نویسنده این سطور پیش‌تر در مقاله «کهن‌ترین دست‌نویس البلغه» به نقل از دیباجه فاضل گرامی آقای جويا جهانبخش بر *سلوة الشیعه* (فنجگردی نیشابوری ۱۳۸۴ : ۴۹ - ۵۲) اشارتی داشت به حلقه‌ای آموزشی که در روایت آثار شیعی و آموزش عربیت در نیشابور سده پنجم و ششم تشکیل شده بود (صفری آق‌قلعه ۱۳۸۸ : ۳۵). این مطلب مبتنی بر شواهدی است که نشان می‌دهد ادیب یعقوب بن احمد کردی نیشابوری (د ۴۷۴ ق) از نخستین مروّجان *نهج‌البلاغه* در خراسان بوده است. وی در فارسی‌نویسی نیز دست داشته و چنانکه یاد شد دو اثر به زبان فارسی با نام‌های *البلغة المترجم فی اللغة* و نیز *المهدّب فی المصادر* را نگاشته که از کهن‌ترین فرهنگ‌های شناخته شده در این زمینه هستند. پیش‌تر بخشی از دیباجه وی را بر *المهدّب فی المصادر* نقل کردیم که نشانگر گرایش وی به تشیع است.

از شاگردان برجسته او یکی ابوالحسن علی بن احمد فنجگردی نیشابوری (۴۳۳ - ۵۱۳ ق) است که گزیده‌ای از سروده‌های منسوب به علی بن ابیطالب «ع» را با نام *سلوة الشیعه* گردآوری کرده است (فنجگردی نیشابوری ۱۳۸۴). همو تتمه‌ای بر اثر استادش *البلغه* نگاشته است^{۱۱} که خود یکی از فرهنگ‌های کهن و ارزشمند عربی به فارسی است (برای شرح حالش نک: سمعانی ۱۴۱۷: ۱۲۲۵؛ فارسی ۱۳۹۱: ۶۵۰).

از سویی احمد بن محمد میدانی — که پیش‌تر بدو پرداختیم — در پایان دیباجه *السّامی فی الاسامی* اشاره دارد که نگارش آن را به برافزولیدن استادش فنجگردی به پایان رسانیده و فنجگردی را بر وی حقّ پدری است (میدانی ۱۳۴۵: ۱۵؛ فنجگردی نیشابوری ۱۳۸۴: ۴۶). اگرچه قرائن صریحی در گرایش شیعی میدانی در دست نداریم اما آثاری چون *السّامی فی الاسامی* و نیز *الهادی للشّادی* نشانه‌هایی از گرایش وی به فارسی‌نویسی است. همین‌گونه است فرزند او سعید بن احمد میدانی که او هم فرهنگ عربی به فارسی *الاسمی فی الاسماء* را نگاشته است.

۱۱. تنها نسخه شناخته شده اثر در مجموعه ۳۰۵ کتابخانه چستریتی مورخ ۶۶۸ ق (ص ۸۶ ر ۹۱ پ) موجود است.

از دیگر افراد این حلقه ابوجعفر احمد بن علی بیهقی را باید نام برد که گفتیم از شاگردان احمد بن محمد میدانی بوده و از او نیز گرایش شیعی گزارش نشده اما در فارسی نویسی، پیرو شیوه این حلقه بوده و فرهنگ عربی به فارسی *تاج المصادر* را نگاشته است. گفتیم که سه یادداشت قرائت به خط وی در مجموعه ما دیده می‌شود. از دیگر وابستگان حلقه آموزشی نیشابور باید از ابونصر بن صاعد الالمعی نویسنده *غنیة الشّهوات فی جمل الادوات* یاد کرد. وی نیز علی الظاهر گرایش شیعی نداشته و فقط اثری به زبان فارسی از او در دست داریم که به زبان فارسی در آموزش ادوات است و پس از این جداگانه بدو خواهیم پرداخت.

از دیگر افراد این حلقه باید از ابوالحسن علی بن زید بن محمد بیهقی (د ۴۹۹ - ۵۶۵ ق) یاد کرد (برای شرح حال وی نک: یاقوت ۱۹۹۳: ۱۷۵۹ - ۱۷۶۸؛ هادی ۱۳۸۳). او در سرگذشتش در *مشارب التجارب* اشاره کرده که *الهادی للشادی و نیز السّامی فی الاسامی میدانی* را در کودکی از بر کرده و در سال ۵۱۴ ق در آموزشگاه احمد بن علی مقری بیهقی حضور جسته و کتاب وی *تاج المصادر* را از بر کرده و کتاب‌های دیگری را بر وی خوانده است. سپس در سال ۵۱۶ ق در جلسات درس احمد بن محمد میدانی حاضر شده و کتاب‌هایی از جمله *السّامی فی الاسامی و مجمع الامثال* خود میدانی را نزد او تصحیح کرده است (یاقوت ۱۹۹۳: ۱۷۶۰ و ۵۱۳). بیهقی از دیدگاه فارسی نویسی جزو نویسندگان پرکار بوده است. از آثار فارسی بازمانده او *تاریخ بیهقی و نیز جوامع احکام النجوم* را می‌توان یاد کرد. نیز آثار فارسی دیگری داشته که نسخه‌ای از آنها تاکنون در جایی گزارش نشده و عناوین آنها بدین‌قرار است: کتاب الرسائل، عقود المضاحک، نصائح الکبراء، حصص الاصفیاء فی قصص الانبیاء علی طریق البلاغ. از دیدگاه نقل آثار شیعی، بیهقی *نهج البلاغه* را بر حسن بن یعقوب بن احمد (د ۵۱۷ ق) - فرزند ادیب یعقوب کردی - خوانده است^{۱۲}. از سوی خود وی نیز به سال ۵۵۲ ق شرحی بر *نهج البلاغه* با نام *معارج نهج البلاغه* نگاشته که به چاپ هم رسیده است (بیهقی ۱۳۸۰).

از دیگر نشانه‌های گرایش این گروه به تشیع، انجامه دو اثر مندرج در همین

۱۲. درباره حسن بن یعقوب بن احمد بایسته یادکرد اینکه در منابع به گرایش او به تشیع تصریح شده است.

مجموعه ۱۵۱۱ کتابخانه ملی ملک است که در آن‌ها عبارات ستایش‌آمیزی دربارهٔ خاندان پیامبر «ص» درج شده است و می‌تواند نشانگر گرایش شیعی کاتب و مالک مجموعه باشد. یکی در پایان شرح قصیده نایغه ذبیانی (ص ۲۱۶) و دیگری که آشکارتر است در انجامة قرائة ابی الحسن علی بن حمزة الاسدی الکوفی الکسائی (ص ۴۳۴) بدین عبارات:

فرغ کاتب هذا الكتاب ... [ناخوانا] ... سبع عشر و خمس مائة حامداً لله تعالى و مصلياً و مسلماً علی نبیّه محمد خاتم النبیین و سید المرسلین و علی اهل بیته الطاهیرین الاخیار و سلم تسليماً کثیراً.

آنچه به اختصار یاد کردیم نشانگر دو نکته در میان افراد حلقه آموزشی نیشابور است: ۱. اهتمام به گردآوری و انتقال آثار شیعی ۲. پرداختن به ادبیات عرب و کوشش در آموزش عربیت و نگارش آثاری در این زمینه با گرایش به فارسی‌نویسی و به‌ویژه نگارش فرهنگهای عربی به فارسی.

افرادی که در بالا یاد کردیم دارای یکی از این دو ویژگی بوده‌اند ولی جز این‌ها افراد بسیاری هستند که در این حلقه آموزشی بوده‌اند — مانند عبدالکریم سمعانی و فارسی — ولی به تشیع یا فارسی‌نویسی گرایشی نداشته‌اند.

آثار فارسی مندرج در مجموعه ۱۵۱۱ ملک

چنانکه یاد شد بسیاری از مندرجات مجموعه در موضوع خود ارزشمند هستند اما وجود دو اثر فارسی در این مجموعه ارزش آن را افزون کرده است. این آثار از نگاشته‌های دانشمندان حلقه آموزشی نیشابور است که در اینجا به شناسایی مختصری از آن‌ها خواهیم پرداخت. پس از آن نیز سه بیت فارسی را یاد خواهیم کرد که در ترجمه سه بیت عربی به خط کاتب مجموعه در یکی از صفحات آن ثبت شده است.

الف. غنیة الشّهوات فی جمل الادوات (ص ۳۷۶ - ۴۰۶):

اثر ابونصر بن صاعد الالمعی که متنی به زبان فارسی در آموزش ادوات است.

نویسنده اثر به احتمال بسیار همان ابونصر محمد بن صاعد الالمعی (د ۵۱۶ ق) است که یادکرد او در *المنتخب من کتاب السیاق لتاریخ نیشابور* (فارسی ۱۴۰۹: ۷۸ - ۷۹) چنین درج شده است:

محمد بن صاعد ابونصر الالمعی الأديب الفاضل من أصحاب أبي عبد الله، رجل مشهور تأدب بنيسابور و اشتغل بالتأديب مدة و صنف و قرأ شيئاً من الطب و اشتغل أيضاً بالتذكير و ظهر أمره بعض الظهور فاتصل ببعض الأكابر من أركان الدولة و صحب العسكر و قرب أمره من الانتظام ففاجأته المنيّة شاباً و جاء نعيه من المعسكر بسرخس في صفر سنة ست عشرة و خمس مائة. سمع معنا و من أستاذه الإمام أحمد الميداني، و منا و من الوالد. و ما روى شيئاً.

از آنچه ابوالحسن فارسی درباره ابونصر بن صاعد المعی یاد کرده می توان دانست که وی از شاگردان احمد بن محمد میدانی بوده است و این نکته ارتباط وی را با حلقه آموزشی نیشابور نشان می دهد.

اشاره ای به *غنیة الشّهوات* در منابع مورد استفاده ما دیده نشد. شاید مقصود از کتاب *الغنیة* که حبیبش تفلیسی از آن در *دیباچه قانون/دب* نام برده همین اثر باشد (تفلیسی ۱۳۵۰: "نوزده").^{۱۳}

کتاب در ده باب تنظیم شده و مؤلف کوشش داشته تا متن را در حدودی میانه افراط و تفریط بنویسد و در آن به بیان موارد مشهور و کاربردی تر بپردازد. نویسنده، دیباچه اثر را به زبان عربی نوشته است و در آن پس از ستایش خداوند و پیامبر «ص» به یادکرد دلیل نگارش اثر پرداخته است. بخش هایی از دیباچه را در زیر می آوریم:

أقول بعد حمد الله الذي مكّن العقل في حلّ عقد المشكلات من الوصول إلى أقصى الغايات بما اتاح له من معرفة المبادئ و المقدمات ... أني لما رأيت الطائفة المنتجعين جنابى لارتعاء خزامى الادب و استقاء العذب الفرات من لغة العرب محتاجة إلى كتاب جامع فى الادوات ... فاودعت هذه الابواب العشرة ما وجدته مستعملاً مشهوراً من حروف الادوات و افعالها و اسمائها ... و سميت الكتاب غنية الشّهوات فى جمل الادوات مستعيناً بالله على اتمامه ...

۱۳. البته در *كشف الظنون* (حاجی خلیفه ۱۸۳۵: ۴ / ۳۳۸) آمده: «غنیة فى اللغة لأبى سعید محمد بن ابراهیم البیهقی»؛ که احتمالاً منظور تفلیسی همین اثر باشد نه نوشته ما نحن فيه (نیز نک: منزوی ۱۳۳۷: ۷۳).

نویسنده پس از دیباچه، ابواب کتاب را به این شرح معرفی می‌کند: باب ۱: فی معرفة کیفیت الضمائر و الفاظها و معانیها؛ باب ۲: فی اسماء الموضوعة للإشارة؛ باب ۳: فی اسماء الموصولة؛ باب ۴: فی معرفة الظروف؛ باب ۵: فی سایر الاسماء المنخرطة فی سلك الادوات؛ باب ۶: فی الافعال الواقعة فیها؛ باب ۷: فی معرفة الحروف المركبة العاملة؛ باب ۸: فی الحروف المركبة غیر العاملة؛ باب ۹: فی معانی حروف مفردة عاملة و غیر عاملة؛ باب ۱۰: فی القاب الحروف المفردة و مدارج مخارجها.

بخش فارسی اثر بلافاصله پس از فهرست ابواب کتاب آغاز می‌شود که عبارت از باب نخستین این کتاب و باب‌های پس از آن است. برای اینکه ویژگی‌های اثر نمایان شود بخش آغازین این باب را درج می‌کنیم؛ با این توضیح که نسخه مشکول است و عبارات منقول را مطابق نسخه آوردیم:

بُدَانِكِ اِشَارَتِ سَهْ كُونه بُود: اِشَارَتِ بَحَاضِرِ وَ بَغَايِبِ وَ بَخْوِيشْتَنِ. وَ هَرِ يَكِ رَا بِنَزْدِيكَ اصْحَابِ لُغَةِ لَقْبِي بَاشَد. چُون اِشَارَتِ بَمَعْنِي حَاضِرِ بُود مُخَاطَبَه كُويند وَ چُون اِشَارَتِ بَمَعْنِي نَه حَاضِرِ بُود مُعَايِبَه كُويند وَ چُون بَخْوِيشْتَنِ بُود حِكَايَتِ نَفْسِ كُويند. يَسْ عَرَبِ حُرُوفِي وَ كَلِمَاتِي وَضَع كَرْدَه‌اند^{۱۴} كِه بَهَر اِشَارَاتِ دَلِيلِ بَاشَد وَ بَعْضِي رَا اِسْمَا اِشَارَتِ وَ بَعْضِي رَا ضَمَايِرِ نَامِ كَرْدَه. وَ اِنچِ ضَمَايِرِ اِسْتِ مَجْمُوعِ اَن دُو قِسْمَتِ بَاشَد: بَعْضِي اِبْدَا بَحُرُوفِ يَا بَاسْمَا يَا بَا فَعَالِ پِيوسته بَاشَد وَ اَن رَا ضَمِيرِ مَتَّصِلِ كُويند وَ بَعْضِي جُزْ مُفْرَدِ مُسْتَعْمَلِ بُود ...

در میان آثار فارسی درباره ادوات، کتاب الهادی للشادی میدانی را می‌شناسیم که در همان محدوده زمانی نگاشته شده است، اما چون تاریخ نگارش هیچکدام از این دو اثر دانسته نیست نمی‌توان گفت که کدام بر دیگری متقدم است. همین اندازه می‌دانیم که میدانی الهادی للشادی را پس از السامی فی الاسامی (سال ۴۹۷ ق) نگاشته و ضمناً علی بن زید بیهقی الهادی للشادی را پیش از ۵۱۴ ق از بر کرده بود (یاقوت ۱۹۹۳: ۱۷۶۰) و لذا می‌توان گفت که نگارش الهادی للشادی میان ۴۹۷ تا ۵۱۴ ق بوده است. از سویی با توجه به درگذشت المعی به سال ۵۱۶ ق تحریر غنیه

الشَّهوات پیش از این تاریخ بوده است و چون فارسی در ترجمه المعی اشاره کرده که او در جوانی درگذشته، تألیف این اثر نیز نباید چندان پیش‌تر از سال ۵۱۶ ق بوده باشد و لذا نگارش هر دو اثر تقریباً هم‌زمان بوده است.

ب. تدبیر مبتدی (ص ۴۳۶ - ۴۴۹):

نگاشته ابوالفضل احمد بن محمد میدانانی است که پیش‌تر بدو پرداختیم و نوشتیم که اثری کوتاه در آموزش مقدماتی زبان عربی است. در منابع شرح احوال میدانانی بدین اثر وی و نسخه دیگری از آن اشاره نشده است (برای تنها نسخه اثر نک: درایتی: ۲ / ۱۰۴۷).

با اینکه نسخه دارای پایانی کامل و نیز انجامه است، تاریخ کتابت در آن درج نشده است. چون در صفحه عنوان اثر (ص ۴۳۶) عبارت «رحمه الله» در دنباله نام مؤلف درج شده می‌توان دانست که این بخش پس از درگذشت میدانانی (۵۱۸ ق) کتابت شده است. نیز با توجه به کتابت بخش‌های دیگر مجموعه در سال‌های میان ۵۱۷ - ۵۱۹ ق می‌توان دانست که این کتاب در حدود اواخر سال ۵۱۸ یا ۵۱۹ ق و شاید اندکی پس از آن کتابت شده است.

نویسنده در دیباجه تصریح کرده که آن را برای نوآموزان ادب عرب نگاشته است. در زیر به بازنویسی دیباجه اثر می‌پردازیم که دلیل تألیف این نوشته و بخش‌بندی آن را می‌نمایاند. آنچه میان دو قلاب [] نهاده شده مربوط به مواردی است که به دلیل متن و حاشیه شدن نسخه در زیر و صالی رفته است:

الحمد لله رب العالمين و الصلوة على رسوله محمد و آله اجمعين. اين كتابى [است] كسى كرده شد از بهر مبتديان در ادب تا طريق ادب بريشان آسان گردد [و] در مدتی اندك تخریج اوفتد. و نام نهاده شد این كتاب را تدبیر مبتدی. و این كتاب بر سه قسم است. قسم اول ابنيه و قسم دوم صرف و قسم سیم علل. و هر قسمی از این سه قسم منقسم شود به فصول چنانك یاد گرد[د] ان شاء الله تعالى.

متأسفانه از سه قسم این اثر بخش‌هایی پراکنده بر جای مانده است و با اینکه پایان اثر شامل انجام و انجامه هست اما نشانی از عناوین و فصول قسم‌های دوم و

سوم در نسخه دیده نمی‌شود. انجام و انجامه اثر به قرار زیر است:
... چنانک گویی ضربِ پارسی آن بود که زده آمد یا زده شد یا زدند. و پارسی مستقبلش:
زده آید یا زده شود یا بزندند. و حکمِ صرفِ مجهول هم‌چون صرفِ معروف بود آلا در
حرکتِ بنا چنانک گفته آمد. تم کتاب التصریف بحمد الله و منه.

از ویژگیهای دیگر کتاب مذکور این است که پس از بیان هر یک از اشکال
صرفی، ترجمه فارسی آن نیز داده شده است.

پ. شعر فارسی در مجموعه:

چنانکه در فهرست مندرجات مجموعه اشاره کردیم، در صفحه ۳۷۴ شعری عربی
آمده که ترجمه منظوم فارسی هر یک در زیر آن درج شده است. عبارت «لبعضهم»
پیش از شعر عربی نشان می‌دهد که کاتب از نام سراینده آگاهی نداشته است. بر
فراز ترجمه فارسی آمده: «ترجمته» که نام سراینده را نشان نمی‌دهد اما این احتمال
را از میان نمی‌برد که شاید مترجم، همان کاتب نسخه باشد. اگرچه در چنان مواردی
رسم بود که عباراتی چون «لکاتبه» پیش از شعر درج شود.

شعر عربی در اصل دارای چهار بیت^{۱۵} و از سروده‌های منسوب به مسلم بن ولید
نام‌ور به صریح الغوانی (د ۲۰۸ ق) است (انصاری بی تا: ۳۱۷). هر چهار بیت این
شعر در مصباح الهدایه نقل شده است (کاشانی ۱۳۶۷: ۳۹۷ - ۳۹۸). مصراع دوم از
بیت سوم در ادبیات عرب مشهور بوده و برخی از عربی‌سرایان آن را تضمین
کرده‌اند. همچنین این مصراع در برخی منابع، کاربردی مثل‌وار یافته چنانکه در تاریخ
بیهقی و نیز مکاتیب سنائی به استشهاد درج شده است (بیهقی ۱۳۸۸: ۵۰۶ و ۱۱۸۳؛
سنائی ۱۳۴۱: ۳۳ و ۲۷۵؛ دهخدا ۱۳۱۰: ۳۳۶ و ۱۸۸۵). بیت سوم بصورت مفرد یا
همراه با برخی بیت‌های همین شعر در برخی از متون ضبط شده است؛ از جمله در
مرصادالعباد همراه با بیت نخستین (رازی ۱۳۷۹: ۱۰۲ و ۵۹۳). شعر عربی را بر پایه
نسخه در زیر می‌بینیم:

۱۵. در الانساب همین سه بیت در ذیل یادکرد ابو عبدالله الحسین بن عبدالله بن الغنادوستی با اختلافاتی نقل
شده است (سمعانی ۱۴۰۸: ۴ / ۳۱۱).

وبتنا علی رغم الحسود و بیننا
فوسدته کفی وبت ضجیه
وایت کریم لا یکدره الدهر
وایت کریم المسک شیب به الخمر
وقلت لیلی طل فقد رقد البدر

ترجمهٔ فارسی شعر چنین ضبط شده است:

شبی گذشت به ما بر؛ از آن حسود به درد
میان ما سخنانی چو مشک و باده زرد
کفیش بالین کردم گرفتمش به کنار
و گفتم ای شب می‌یاز و گرد روز مگرد
چو صبح روز دمید از کنار من برمید
کدام نعمت کآن را زمانه تیره نکرد
متأسفانه گویندهٔ شعر فارسی را در منابع مورد استفادهٔ خود نیافتیم.

آثار عربی در مجموعه و اشاره به ارتباط برخی از آن‌ها با نیشابور
چنانکه اشاره کردیم، آثار مندرج در این مجموعه عمدتاً دارای ارتباطی با شهر
نیشابور هستند. جز آثار عربی و فارسی این دانشمندان که در بخش‌های پیشین
بدان‌ها پرداختیم، دیگر آثار نیز هرکدام به گونه‌ای با شهر نیشابور ارتباط دارند.
ضمناً از قرائن می‌توان دانست که این آثار در آموزش ادب عربی در نیشابور سدهٔ ۵
و ۶ رواج داشته‌اند.

شرح المعلقات السبع: نخستین اثر مجموعه از قاضی ابو عبدالله الحسین بن احمد
الزوزنی النحوی الضریر (د ۴۸۶ ق) است. از زندگی قاضی زوزنی در منابع مورد
استفادهٔ ما اطلاعات قابل توجهی درج نشده است. یاقوت در معجم‌الادباء جز تاریخ
درگذشت و چند بیت شعر و نام چهار اثر وی آگاهی دیگری به دست نداده است
(یاقوت ۱۹۹۳: ۳ / ۱۰۳۸). در المنتخب نیز از او اجمالاً یاد شده و از وی به عنوان
پیشوای نحو و لغت و زبان عربی در روزگار خویش یاد شده است (فارسی ۱۳۹۱:
۲۸۱). زوزنی بیشتر به دلیل نگارش فرهنگ عربی به فارسی المصاдр، که به چاپ
هم رسیده، در ایران شناخته شده است (زوزنی ۱۳۷۴). گویا کتاب المصادر پس از
تألیف بعنوان متنی در آموزش عربیت در خراسان رواج داشته زیرا ابن‌فندق در شرح
حال خود اشاره دارد که در کودکی آن را از بر کرده بود (یاقوت ۱۹۹۳: ۱۷۶۰). با

توجه به تاریخ درگذشت مؤلف می‌توان دانست که کتاب *المصادر* پیش از ۴۸۶ ق نگاشته شده و لذا یکی از کهن‌ترین آثار در این زمینه است. تاریخ نگارش شرح *المعلقات* مورد گفتگوی ما نیز همینگونه است. شرح *معلقات* قاضی زوزنی چند بار چاپ شده است.

شرح *معلقة نابغة ذبیانی*: دومین اثر مجموعه از ابوالحسن علی بن احمد بن محمد الواحدی نیشابوری (د ۴۶۸ ق) است. واحدی از بزرگان روزگار خویش در تفسیر و نحو و ادبیات عرب بوده است (فارسی ۱۳۹۱: ۶۳۲؛ یاقوت ۱۹۹۳: ۱۶۵۹ - ۱۶۶۴؛ برای نسخه‌های آثارش نک: قره‌بلوط بی‌تا: ۲۰۰۲ - ۲۰۰۵). عمده زندگی او در نیشابور سپری شده و به نسبت «نیشابوری» شناخته می‌شود و از اینجا ارتباط وی با مجموعه مورد نظر ما دانسته می‌شود. نوشته‌های واحدی در علوم قرآنی در ادوار مختلف مورد توجه بوده است؛ آثاری چون: *اسباب نزول القرآن* و سه تفسیر قرآن او با نام‌های *البسیط فی تفسیر القرآن*، *الوسیط بین الوجیز و البسیط* و همچنین *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز* که نسخه‌های متعدد آن‌ها گواهی بر رواج این آثار در ادوار پیشین - بویژه تا سده هشتم - است. شرح او بر *دیوان متنبی* از شروح معروف اثر است که چندین بار نیز چاپ شده است.

کتاب *العروض* یا *تخریج القوافی علی تأریح*: پنجمین اثر مجموعه از صاحب اسماعیل بن حسن بن عبّاد (۳۲۶ - ۳۸۵ ق) است (برای نسخه‌های آثار وی نک: قره‌بلوط بی‌تا: ۶۵۲ - ۶۵۳). صاحب بن عبّاد - وزیر معروف دیلمیان - به احتمال بسیار به مذهب زیدی گرایش داشته و دوستدار اهل بیت «ع» بوده است.^{۱۶} شیخ صدوق کتاب *عیون اخبار الرضا «ع»* را برای خزانه کتب وی نگاشته است. از

۱۶. در مجموعه ۱۶۵۷۴ کتابخانه ملی (مورخ ۴۲۰ ق) رساله‌ای از صاحب با نام *ذکر الخلائف و عنوان المعارف* هست. در آنجا فصلی هست با نام: «ذکر من بویع له بالخلافة فی مدّة بنی امیّة» و بلافاصله آورده: «ابوعبدالله الحسین بن علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام: و هو امام الحقّ بایع له اهل الکوفة علی رأس تسع و خمسين سنة». در همانجا به ابوالحسن زید بن علی بن الحسن بن علی بن ابی‌طالب «ع» پرداخته و آورده: «... قال النبی صلی الله علیه لأمیر المؤمنین [علی «ع»] انه یكون من ولدک رجل یقال له زید یطاء [مقاتل الطالبیین: یتخطی] هو و اصحابه یوم القیامة رقاب الناس غراً محجلین ظهر بالکوفة داعیاً الی الله ایام هشام بن عبدالملک...».

ظواهر امر برمی آید که *تخریح القوافی* اثری مستقل از عروض وی است اما در چاپ های *الاقناع فی العروض رساله تخریح القوافی* را نیز در دنباله درج کرده اند. از جمله یک بار با نام کتاب *الاقناع فی العروض و تخریح القوافی* در سال ۱۴۰۷ ق در قاهره چاپ شده است که در آن پس از پایان بخش عروض، همین *تخریح القوافی* درج شده است که با نسخه ما یکسان است (صاحب ۱۴۰۷: ۱۸۳ - ۱۸۸).

عدد القاب العروض: ششمین اثر مجموعه از صاحب بن عبّاد است. این کتاب فقط شامل القاب (نام های) زحافات است با مختصری درباره چگونگی افاعیل آنها که در پایان کتاب *الاقناع فی العروض و تخریح القوافی* چاپ شده است (صاحب ۱۴۰۷: ۱۹۰ - ۱۹۲).

مختصر علم القوافی: هفتمین اثر مجموعه نگاشته ابوالفتح عثمان بن جنّی الموصلی النّحوی (۳۳۰ - ۳۹۲ ق) است (برای شرح احوال او نک: وکیلی ۱۳۷۴: یاقوت ۱۹۹۳: ۱۵۸۵ - ۱۶۰۱؛ ابن خلّکان بی تا: ۳ / ۲۴۶ - ۲۴۸؛ و برای نسخه های آثار او نک: قره بلوط بی تا: ۱۹۳۶ - ۱۹۳۸). در اجازه ای از ابن جنّی که یاقوت در *معجم الادباء* یاد کرده نام *مختصر العروض و القوافی* نیز دیده می شود (یاقوت ۱۹۹۳: ۱۵۹۸). چون تاریخ آن اجازه ۳۸۴ ق بوده دانسته می شود که *مختصر قوافی* پیش از این تاریخ نوشته شده است. متن اثر به سال ۱۳۹۵ هـ / ۱۹۷۵ م به کوشش حسن شاذلی فرهود چاپ شده است (وکیلی ۱۳۷۴: ۲۵۷). در زمینه شعر عربی از ابن جنّی کتاب *العروض* نیز در دست هست که به چاپ رسیده است (ابن جنّی ۱۴۳۱). چنانکه روشن است، کتاب *العروض* وی اثری جز *مختصر علم القوافی* است. ابن جنّی با شریف رضی دوستی داشته و در شعرهایی یکدیگر را ستوده اند (وکیلی ۱۳۷۴: ۲۵۴). شاید از همین روی و قرائن دیگر است که وی را شیعی مذهب دانسته اند (همانجا).

پس از عنوان اثر در نسخه ما آمده: «عمله ابوالفتح عثمان بن جنّی النّحوی للامیر ابی الفضل عبیدالله احمد المیکالی». این ابوالفضل المیکالی (د ۴۳۶ ق) یکی از سرشناسان خاندان معروف «میکالی» است که مدّت ها ریاست نیشابور بر عهده ایشان بوده است (آل داود ۱۳۷۴: ۱۶۸ - ۱۷۴؛ فارسی ۱۳۹۱: ۴۵۴؛ سمعانی: ۵ / ۴۳۳ -

۴۳۷؛ بیهقی ۱۳۱۷: ۱۱۷).^{۱۷} از ریاست بزرگان این خاندان در نیشابور و اقامتشان در آن شهر و اینکه اثر به ابوالفضل میکالی پیشکش شده می‌توان دانست که چرا اثر این جنی در میان حلقه آموزشی نیشابور رواج داشته است. ابوالفضل میکالی از بزرگان ادب روزگار خویش در نیشابور بوده و با بزرگانی چون ادیب یعقوب بن احمد النیشابوری، ابوالحسن علی بن الحسن الباخری و ابومنصور ثعالبی مصاحبت داشته است و ایشان او را به بزرگی و فضل ستوده‌اند. پیش‌تر در شرح حال ابن‌فندق دیدیم وی اشاره کرده که کتاب *المنتحل* میکالی را در کودکی از بر کرده و پس از ۵۱۶ ق آن را نزد میدانی تصحیح کرده است. نیز در حدود ۵۱۴ ق کتاب *الامثال* میکالی را بر ابوجعفر بیهقی خوانده است. پس آثار خود وی نیز در حلقه آموزشی نیشابور رواج داشته است.

معروف‌ترین شخصیت سیاسی میکالیان، ابوعلی حسن بن محمد بن عباس میکال معروف به حسنک وزیر است که با ابوالفضل میکالی هم‌روزگار بوده است. وی در اواخر عمر محمود غزنوی (پس از ۴۱۶ ق) وزارت او را بر عهده داشت و پس از مرگ وی نیز وزارت جانشین محمود یعنی محمد بن محمود غزنوی بدو محول شد اما پس از آنکه مسعود غزنوی بر برادرش محمد دست یافت، حسنک از وزارت معزول شد و به دلیل جانبداری از محمد به سال ۴۲۲ ق اموالش را به جبر ستدند و او را بر دار آویختند (آل داود ۱۳۷۴: ۱۷۰ - ۱۷۱).

ابوالفضل بیهقی در *تاریخ بیهقی* هنگام یادکرد رویدادهای سال ۴۲۱ ق و ورود مسعود غزنوی به نیشابور اشاره دارد که قاضی صاعد از ستمهایی که بر خاندان میکالی رفته بود نزد مسعود بازگفت و مسعود فرمان داد تا ابوالفضل میکالی -مورد گفتگوی ما- و برادرش نزد بوسهل زوزنی بروند و از ماجرا بازگویند؛ که در نهایت نیز مقصود آنان حاصل شد (بیهقی ۱۳۸۸: ۳۳ - ۳۴). عتبی نیز در *الیمینی صفحاتی* را به ستایش از پدر ابوالفضل میکالی یعنی امیر ابونصر احمد بن علی اختصاص داده و نوشته‌ها و سروده‌هایی از وی و همچنین سروده‌های ابوبکر خوارزمی در ستایش وی را نقل کرده است (عتبی: ۴۳۳ - ۴۳۷). عتبی در دنباله به فرزندان احمد

۱۷. چنانکه ابن‌فندق یاد کرده گویا شاخه‌ای از این خاندان در بیهق ساکن بوده‌اند (بیهقی ۱۳۱۷: ۱۱۷).

پرداخته و از جمله درباره شخص مورد نظر ما می‌افزاید:
كلّ منهما بدرّ في ضيائه ... غير أنّ أبا الفضل أبرع في لطائف الأدب و أنظم لقلائد العرب؛ و قد
سار له من النّظم و النثر ما تُررى حَبْرُهُ بوشى صنعاء و زهره بروض ميثاء. فمن فصول كلامه ...
سپس نمونه‌هایی از نظم و نثر او را نقل کرده است (همان: ۴۳۷ - ۴۴۰). روشن
است که چنین ستایش‌هایی از قلم ادیبی چون عتبی تا چه اندازه در شناسایی مقام
ادبی ابوالفضل میکالی سندیت دارد.

المقدّمة في النّحو: نهمین اثر مجموعه از ابوالحسن علی بن فضال بن علی
المجاشعی القیروانی (د ۴۷۹ ق) است. در المنتخب من السیاق (فارسی ۱۳۹۱: ۶۴۹)
اشاره به دو بار ورود او به نیشابور شده است:

علی بن فضال بن علی بن جابر بن عمرو بن الحسن، ابوالحسن المجاشعی: المقری النّحو؛
الامام المطلق فی النّحو و الصرف و التّفصیر. ورد نیشابور فی سنی نیف و اربعمائه. و عاد
الی نیشابور سنة سبعین و اربعمائه ثم ارتحل و عاد الی بغداد و اقام بها مدّة مستوطناً الی
أن جاءنا نعيه. و لم یخلف فی وقته مثله. أجاز لی بجمیع مسموعاته و مجموعاته و تصانیفه
(نیز نک: یاقوت ۱۹۹۳: ۱۸۳۴ - ۱۸۳۸؛ فارسی ۱۳۹۱: ۵۱۷).

قراءة ابی الحسن علی بن حمزة الاسدی الکوفی الکسائی: پانزدهمین اثر مجموعه
به روایت نهایی از ابونصر محمد بن علی الزشکی است. از زندگی این زشکی در
منابع خود چیزی نیافتیم. مطابق اسناد زشکی در آغاز متن، وی قرآن را به روایت
ابوعمر الدوری از نیای مادری خود زشکی یعنی ابوالعبّاس محمد بن ابوالقاسم بن
ابوسهل الباری و از وی تا پیامبر «ص» قرائت کرده است. اسناد دیگر او از سوی
دایی اش ابی القاسم عبیدالله بن محمد بن ابوالقاسم الباری بوده است. نسبت «باری» در
نام نیا و دایی زشکی به احتمال بسیار به قریه «بار» از قریه‌های نیشابور بازمی‌گردد
(سمعی: ۱ / ۲۵۶).^{۱۸}

۱۸. البته نسبت «باری» به قریه «باره» از روستاهای حلب نیز بوده است ولی در این زمینه گویا نسبت بالا
بیش‌تر با شخصیت مورد نظر ما سازگار است. نسبت «زشکی» را در منابع خود نیافتیم ولی نسخه‌ای از
منافع الحیوان ابن بختیشوع (به نشانی MS M.500 در کتابخانه و موزه پیریونت مورگان، مورخ ۶۹۰ ق)
موجود است که برای «شمس‌الدین بن ضیاء‌الدین الزوشکی» نگاشته شده است و نشان می‌دهد که چنین
نسبتی تا اواخر سده هفتم وجود داشته است.

آنچه یاد شد مختصری بود دربارهٔ ویژگی‌ها و ارزشمندی‌های مجموعهٔ ۱۵۱۱ کتابخانهٔ ملک که کهن‌ترین دستنویس شناخته شدهٔ دارای آثار فارسی در ایران است. چنانکه یاد کردیم این مجموعه می‌تواند بخشی از آثاری را که در حوزهٔ آموزشی نیشابور در سده‌های پنجم و ششم رواج داشته به ما بشناساند. ضمن اینکه دو اثر کوتاه اما ارزشمند به زبان فارسی را در دسترس ما نهاده است.

کتابنامه

- آل داود، سیدعلی، ۱۳۷۴ خ، «آل میکال»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۲، ص ۱۶۸-۱۷۴.
- ابن خلکان، شمس‌الدین احمد بن محمد بن ابی بکر، *وفیات الاعیان و انباء انباء الزمان* (۸ ج)، تحقیق الدكتور احسان عباس، بیروت، دارالثقافة، بی‌تا.
- ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله بن سهل، *ترجمة کتاب صناعتین* (به انضمام کتاب: *معیارالبلاغه*)، ترجمهٔ دکتر محمدجواد نصیری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- افشار و دانش‌پژوه، ایرج و محمدتقی، ۱۳۶۳ خ: *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک* (ج ۵)، تهران، کتابخانه ملی ملک.
- انصاری، مسلم بن الولید، *شرح دیوان صریح الغوانی*، تحقیق الدكتور سامی الدهان، القاهرة، دارالمعارف، بی‌تا.
- بیهقی، ابوجعفر احمد بن علی بن محمد المقرئ، *تاج‌المصادر* (۲ ج)، به کوشش دکتر هادی عالم‌زاده، تهران، مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶ و ۱۳۷۵.
- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، *تاریخ بیهقی*، به کوشش احمد بهمنیار، تهران، کتابفروشی فروغی، ۱۳۱۷.
- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، *معارض نهج‌البلاغه*، تحقیق اسعد الطیب، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۰.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، *تاریخ بیهقی*، به کوشش دکتر محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۸.
- تفرسی، ابوالفضل حبیب بن ابراهیم بن محمد، *قانون ادب* (ج ۱)، به کوشش غلامرضا طاهر، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن بن محمد، *الجمال*، تحقیق علی حیدر، دمشق، دارالحکمه، ۱۳۹۲ ق.

- حاجی خلیفه، کشف‌الظنون (۷ ج)، تصحیح گوستاو فلوگل، نیویورک و لندن و لیزیگ، ۱۸۳۵ - ۱۸۵۸ م.
- دبیرسیاقی، محمد، ۱۳۵۴ خ: فهرست الفبایی لغات و ترکیبات فارسی السامی فی الاسامی، اصل از ابوالفضل احمد بن محمد بن احمد بن ابراهیم میدانی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- درایتی، مصطفی، ۱۳۸۹ خ: فهرستواره دستنوشته‌های ایران، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۱۰ خ: امثال و حکم (کتاب ...)، طهران، مطبعة مجلس.
- رازی، نجم‌الدین ابوبکر بن محمد بن شاهاور، مرصاد العباد، تصحیح دکتر محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
- زوزنی، قاضی ابوعبدالله حسین بن احمد، کتاب المصادر، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۴.
- سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور التمیمی، الانساب، تحقیق عبدالله عمر البارودی، بیروت، دارالجنان، ۱۴۰۸.
- سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور التمیمی، المنتخب من معجم الشیوخ، تحقیق الدكتور موفق بن عبدالله بن عبدالقادر، الرياض، دار عالم الکتب، ۱۴۱۷ هـ / ۱۹۹۶ م.
- سنائی غزنوی، مجدود بن آدم، مکاتیب سنائی، به کوشش نذیر احمد، رامپور، انتشارات دانشگاه اسلامی علیگره، ۱۳۴۱.
- صاحب بن عبّاد، کتاب الاقناع فی العروض و تخریج القوافی، تحقیق د. ابراهیم محمد احمد الدکاوی، القاهرة، مطبعة التضامن، ۱۴۰۷ هـ / ۱۹۸۷ م.
- صادقی، علی‌اشرف، ۱۳۷۹ خ: «ترجمة فارسی الابانة؛ شرح السامی فی الاسامی میدانی»، از ناشناس، نامه فرهنگستان، پیوست ۱۰.
- صفری آق‌قلعه، علی، ۱۳۸۸ خ: «کهن‌ترین دستنویس البلغة»، گزارش میراث، پیاپی ۳۵ [مهر و آبان]، صص ۳۵ - ۳۸.
- فارسی، ابوالحسن عبدالغافر بن اسماعیل بن عبدالغافر بن محمد، المنتخب من السیاق لتاریخ نیسابور، انتخاب ابراهیم بن محمد بن الازهر الصریفینی، تحقیق محمد کاظم المحمودی، طهران، مکتبه متحف و مرکز وثائق مجلس شوری اسلامی، ۱۳۹۱.
- فنجگردی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد، سلوة الشیعه، پژوهش و گزارش جویا جهانبخش، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.
- قره بلوط، علی‌الرضا و احمد طوران، معجم التاریخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم، دارالعقبه، قیصری، بی‌تا.

- عالم‌زاده، هادی، ۱۳۸۳ خ: «بیهقی، ابوجعفر احمد بن محمد معروف به بوجعفرک»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۳، صص ۴۸۱ - ۴۸۲.
- کاشانی، عزالدین محمود بن علی، *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه*، تصحیح استاد جلال همایی، تهران، نشر هما، ۱۳۶۷.
- میدانی، ابوالفتح احمد بن محمد، *السّامی فی الاسامی* (چاپ عکسی نسخه ابراهیم پاشا)، با مقدمه دکتر سیدجعفر شهیدی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.
- میدانی، ابوسعید سعید بن احمد، *الاسمی فی الاسماء* (۲ ج)، تصحیح دکتر جعفرعلی امیدى نجف‌آبادی، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۷.
- نیشابوری، ادیب یعقوب کردی، *کتاب البلغه*، به کوشش استاد مجتبی مینوی و فیروز حریرچی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.
- وکیلی، ابو محمد، ۱۳۷۴: «ابن جنی»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۳، ۲۵۲ - ۲۵۸.
- هادی، یوسف، ۱۳۸۳ خ: «بیهقی، ابوالحسن علی بن زید بن محمد»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۳، صص ۴۸۲ - ۴۸۵.
- هروی، ابواحمد منصور بن محمد، *منیة الراضی فی رسائل القاضی*، جمع أبی الفضل أحمد بن محمد الميدانی، تحقیق د. محمد یونس عبدالعال، مطبعة دارالکتب و الوثائق القومية بالقاهرة، ۱۴۲۸ هـ / ۲۰۰۷ م.
- یاقوت الحموی الرومی، *معجم الادباء*، تحقیق الدكتور احسان عبّاس، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۳.